

## در جستجوی عرفان اسلامی

کتاب در جستجوی عرفان اسلامی بحث‌های استاد آیت‌الله مصباح‌یزدی است که به‌وسیله حجت‌الاسلام محمدمهدی نادری‌قمی تدوین و نگارش یافته و هدف اصلی آن ارائه تصویر و تفسیری روشن از عرفان اسلامی و شاخص‌ها و ویژگی‌های آن است که در سال ۱۳۸۶ش به‌وسیله مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام در ۳۵۲ صفحه چاپ و منتشر شده است.

کتاب در پنج فصل تحت عنوان کلی ذیل سامان یافته است:

کلیات: (بحث از انواع تمایلات انسان، نیازهای روحی، میل‌های موقت و ماندگار، خودشکوفایی و ناخودشکوفایی تمایلات انسان، تمایلات عرفانی، چپستی عرفان، اقسام عرفان، تصوف و عرفان، عارف کیست؟ عرفان، فلسفه و عقل، عرفان در اسلام، عرفان و شرع متلازم یا متفارق؟)؛

فصل دوم: تحریف و انحراف در آموزه‌های عرفانی (تحریف ادیان آسمانی، عمد و سهو در تحریف ادیان، دو نمونه از انحراف در صدر اسلام، گوشه‌نشینی تفکری انحرافی و باطل، دو منشأ اصلی تحریف و انحراف، تحلیلی از انحراف در باب عرفان، ثروت و قدرت طعمه شیادان و مدعیان عرفان، ردپای استعمار در عرفان‌سازی و ترویج صوفی‌گری)؛

فصل سوم: شاخص‌های عرفان اسلامی و راستین (ضرورت و اهمیت بحث شاخص‌ها، پیشینه عرفانی در جوامع انسانی، اسرار مگو؟! تبیین شاخص‌های عرفان صحیح بر مبنای تحلیلی عقلی، ویژگی‌های عرفان اسلامی در آینه کتاب و سنت، دو بُعد مادی و معنوی انسان، متعارض یا متقارب؟ پاسخ‌هایی از امام باقر<sup>علیه السلام</sup> و امام صادق<sup>علیه السلام</sup> به کج‌اندیشان راه عرفان، امام خمینی<sup>علیه السلام</sup> تجسمی از عرفان راستین، رجوع به آموزه‌ها و دستورات عرفان مسلک‌ها و مکاتب دیگر، عرفان در انحصار روحانیت؟! پرسش درباره «همه‌جانبه بودن سیر عرفانی»؛

فصل چهارم: راه نیل به مقامات عرفانی (در جستجوی راه، استفاده از عقل و نقل برای شناخت راه، راه نقل، لزوم رجوع به اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> در یافتن راه صحیح عرفان، مانع مهم سیر الی‌الله، موحد لفظی، مشرک عملی!، مراحل سیر و سلوک، توحید افعالی، صفاتی و ذاتی در عرفان، تقوا در پرتو مشارطه، مراقبه و محاسبه، مراتب مراقبه، از سیر جوارحی تا سیر جوانحی، مراقبه‌های بالاتر: تمرین انس، مراقبه اولیاء و انبیاء، اعمال و اذکار خاص در سیر و سلوک، ذکر لفظی و قلبی، جایگاه ذکر لفظی و بیان اهمیت ذکر قلبی، جامع‌ترین نسخه سِر و سلوک، سیر «خیرالعمل» بودن نماز، نمازهای بی‌روح!، یک برنامه عملی برای خودسازی)؛

فصل پنجم: بررسی چند مسئله (معنای کشف و کرامت، کشف و کرامت واقعیت یا افسانه و توهم؟ حقیقت کشف و مکاشفه، مکاشفه رحمانی و شیطانی، عدم ملازمه کشف رحمانی با کامل و بی‌نقص بودن فرد، کرامت و حقیقت و ماهیت آن، سحر و کرامت دو مقوله مختلف، امام صادق<sup>علیه السلام</sup> و شخص غیب‌گو، تشخیص کرامت از موارد مشابه، ظاهر، گواه باطن؟، بنده کشف و کرامت!، عارفان حقیقی، دو حکایت از شیخ انصاری، از قطب تا شریعت و طریقت، سیر و سلوک و مسئله نیاز به استاد، فطری اما دست‌نیافتنی؟!).

شایان ذکر است که مقدمه معاونت پژوهشی مؤسسه و مقدمه نگارنده نیز همراه با کتاب‌نامه در ابتدا و انتهای کتاب درج شده است. ناگفته نماند که نگارنده کتاب در پاورقی‌ها به مناسبت‌های گوناگون توضیح‌های مفیدی نیز ارائه کرده‌اند.

آیت‌الله مصباح‌یزدی از اندیشمندان آگاه به زمان و عالمان متعهد و رسالت‌مداری است که در عرصه‌های فلسفی، کلامی، فرهنگی - اجتماعی - سیاسی و از جمله عرفانی جهت تبیین، اثبات، دفاع عقلانی از معارف اصیل اسلامی و آموزه‌های دینی، حضوری فعال و کارآمد داشته‌اند و در پاسخ به پرسش‌ها و نقد و پاسخ شبهه‌های عرفانه‌های گوناگون معرفت اسلامی بسیار کامیاب و اثرگذار بودند و از جمله ساحت‌هایی که با گفتار و نوشتار خویش وارد شده و نقش‌آفرینی کردند، ساحت عرفان و اخلاق اسلامی بود. کتاب در جستجوی عرفان اسلامی با رویکردی عقلانی و نگاهی فلسفی و بهره‌گیری از منابع اصیل اسلام اعم از قرآن و روایت‌ها به تحلیل عرفان اسلامی و پاسخ‌گویی به برخی انحراف‌ها، تحریف‌ها، پرسش‌ها و شبهه‌ها پرداخته است که جهت استفاده بهتر و بیشتر، برخی از مواضع کتاب را تقدیم می‌کنیم:

«... از این رو «تصوف» مناسبت بیشتر با عرفان عملی دارد چنانکه واژه عرفان بیشتر عرفان

نظری را تداعی می‌کند و با آن متناسب‌تر است» (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۶: ۴۰).

۳۶۹

«... در هر حال در عرف ما شیعه متشرعه عنوان صوفی و تصوف، عنوان ممدوح تلقی

نمی‌شود و اغلب به فرقه‌هایی که کمابیش انحرافات دارند اطلاق می‌شود و... اما درباره عنوان «عارف» قضیه به عکس است و به‌طور معمول تلقی عمومی از آن مثبت بوده و این واژه هنوز هم ممدوحیت و قداستش را در عرف و فرهنگ ما حفظ کرده است» (همان:

۴۱).

وی بزرگانی از شیعه مانند: سیدبهرالعلوم، سیدبن طاووس، ابن‌فهد حلّی، مقدس اردبیلی، شیخ انصاری، شیخ جعفر کاشف‌الغطاء را از عالمان و صالحان، فقیهان و محدثانی بزرگ می‌داند که در مسایل عرفانی، ادراک شهودی و باطنی خداوند به مقام‌های بسیار عالی، منیع و والایی از عرفان رسیده‌اند که در زمان خود با عنوان عارف و صوفی و امثال آنها شناخته نمی‌شدند (همان: ۴۹ - ۴۲).

استاد مصباح‌یزدی نیز پس از بحث‌های تاریخی در نسبت‌شناسی عرفان و اسلام سه نظریه: ۱. انکار مطلق عرفان در اسلام؛ ۲. عرفان خارج از متن اسلام اما سازگار با آن یا تصوف بدعت مَرَضی مانند: رهبانیت در مسیحیت؛ ۳. عرفان جزئی از اسلام، بلکه به منزله روح و مغز آنکه مانند دیگر بخش‌های اسلام از قرآن کریم و سنت نبوی سرچشمه گرفته است می‌باشد، را مطرح و خود نظریه سوم را با چنین جمله‌ای: «به نظر ما رأی اخیر پسندیده‌تر است» (همان:

۵۵) برگزیده‌اند و با رد مشابهت بین عرفان اسلام و دیگر عرفان‌ها که علت اقتباس عرفان اسلامی از آنها باشد این نکته را نیز یادآور شدند که اصالت داشتن عرفان اسلامی به معنای صحت هر آنچه در عالم اسلام به نام عرفان و تصوف نامیده می‌شود، نخواهد بود (همان: ۵۳-۵۵ و ۶۱-۶۴).

وی از عرفان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینان راستین آن حضرت علیهم السلام و شاگردان مکتب قرآن و عترت دفاع کرده‌اند و آیه‌های مشتمل بر آداب و سنت‌ها را آیین سیر و سلوک اسلامی بر شمرده‌اند: آیه‌های تفکر و تأمل، ذکر و توجه دایمی، سحرخیزی و شب زنده‌داری، روزهداری، سجده و تسبیح طولانی در شب‌ها، خضوع، خشوع، اخبات، گریه‌کردن و به خاک افتادن به هنگام شنیدن و خواندن آیه‌های قرآن، اخلاص در عبادت، انجام کارهای نیک از سر عشق و محبت به خدا به انگیزه رسیدن به قرب و رضوان الاهی و آیه‌های توکل، رضا و تسلیم در پیشگاه پروردگار و سپس بیان‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام، ادعیه و مناجات ایشان را منبع عرفان و سیر و سلوک دانسته‌اند (همان: ۵۷-۵۹).

دیدگاه استاد مصباح‌یزدی درباره عرفان اسلامی این است که آن را فطرت‌پذیر، همه‌جانبه و عدم مخالفت با شریعت بر شمرده‌اند (همان: ۱۴۶-۱۳۶) و آنگاه به ریشه‌یابی انحراف و تحریف در حوزه عرفان اسلامی و علت‌های عرفان‌سازی‌های گوناگون و ترویج صوفی‌گری پرداختند و اولاً فهم نادرست از عرفان و گرایش به گوشه‌نشینی و انزواگرایی ثانیاً عدم اقتدا و تأسی به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را ریشه انحراف‌ها و تحریف‌ها دانسته و به‌طور کلی دو علت «نادانی و هواپرستی» را علت تمام انحراف‌ها در عالم شمرده‌اند (همان: ۸۶-۷۶) آنگاه به تحلیل عوامل انحراف در سه قسم ذیل اهتمام ورزیده‌اند:

ا. انحراف به‌وسیله بنیانگذاران و پرچمداران فرقه‌های باطل؛

ب. اهداف و انگیزه‌های کسانی که از این سردمداران حمایت می‌کنند؛

ج. کیفیت به دام افتادن افراد ساده‌لوح.

یعنی عامل‌های تاریخی، معرفت‌شناختی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و سیاسی - اجتماعی انحراف‌ها و تحریف‌ها جوامع اسلامی و بهره‌گیری از منابع عظیم ثروت‌های مادی و معنوی آنها و ساده‌اندیشی و جهالت عده‌ای از پیروان و مریدان را انگیزه‌های بنیانگذاران، حامیان و فرقه‌سازان دانسته‌اند (همان: ۱۱۱-۸۷). وی می‌نویسد:

«در هر صورت در پیمودن سیر عرفان باید بسیار محتاط و هشیار بود، چرا که دام‌های بسیاری در این راه گسترده شده و خطر انحراف به شدت رهرو و سالک را تهدید می‌کند» (همان: ۱۱۱).

وی پس از بحث از ویژگی‌ها و شاخص‌های عرفان اسلامی می‌نویسد:

«تفکر جدایی دنیا و آخرت و تصور باطل و انحرافی «یک جانبه‌گرایی» و پندار «ترک دنیا برای رسیدن به آخرت» یکی از خطرناک‌ترین انحراف‌ها و بدعت‌هایی است که در عرفان اسلامی پدید آمده است» (همان: ۱۶۱).

وی امام خمینی علیه السلام را یکی از بهترین نمونه‌ها و الگوهای عرفان راستین و صحیح اسلامی به حساب آورده (همان: ۱۷۴) و نوشته‌اند:

«در مسیر عرفان، مهم این است که انسان بتواند به تمام کارهایش رنگ و صبغه الهی بزند و هر کاری را به این دلیل که خدا می‌خواهد انجام دهد...» (همان: ۱۷۵).

۳۷۱

در فرازهایی از این کتاب مطالب ذیل را می‌خوانیم:

«سیر عرفانی که همان «سیر الی الله» است، جهت‌گیری کلی‌اش «قرب الی الله» است. این سیر برای هر انسانی از مبدئی شروع می‌شود که همان وضع موجود وی است، و منتها و پایان کار، مقامی است که از آن با با تعبیرهای گوناگونی مانند: عندالله، لقاءالله، فناء فی الله و... یاد می‌شود. البته تمام این تعبیرها معانی متشابهی دارند که حقیقت آن برای انسان‌ها و مؤمنان معمولی و عادی چندان روشن نیست و انسان تا به آن مرحله نرسد، نمی‌تواند حقیقت و واقعیت آن را درک کند...» (همان: ۱۹۳).

«غایت عرفان و مقامی که انسان به آن برسد مقامی است که خود را پرتوی از نور الهی می‌بیند و برای خود هیچ استقلالی قایل نمی‌شود، حقیقت سیر الی الله، نفی استقلال از خود و دیگر موجودات است...» (همان: ۲۱۰).

«در سیر الی الله، خط اصلی حرکت عبارت است از «بنده شدن» که می‌توان آن را به سه مرحله بنده‌شدن در افعال، بنده‌شدن در صفات، بنده‌شدن در هستی تقسیم کرد و برای هر مرحله نیز باید کارها و تمرین‌های متناسب با آن مرحله صورت پذیرد» (همان: ۲۲۹).

سیس استاد راهکار عملی بنده‌شدن را کسب تقوا به وسیله سه امر یعنی مشارطه، مراقبه و محاسبه دانسته و آنگاه مراتب و درجات مراقبه و مراقبه اولیا و پیامبران را طرح و تحلیل

کردند و جامع‌ترین نسخه سیر و سلوک را قرآن کریم و نماز را یکی از بهترین اعمال در سیر و سلوک معرفی کردند. البته نماز همراه با معرفت، خلوص و روح الاهی و توحیدی (همان: ۲۷۹-۲۲۹). وی برنامه‌های عملی برای خودسازی را در دو بخش ماده‌های مثبت و منفی ارایه دادند که ماده‌های مثبت آن عبارتند از:

۱. عبادات به‌ویژه نمازهای واجب به موقع و با حضور قلب و اخلاص؛

۲. انفاق و ایثار؛

۳. فکر کردن درباره خدا، اسماء و صفات‌های الاهی، نعمت‌های خداوند و هدف آفرینش؛

۴. استحضار مفاهیم و اندیشه‌های ذهنی، قرائت قرآن و حفظ آن، مطالعه روایت‌های اسلامی و مواعظ، کلمات حکمت‌آمیز، احکام فقهی و دستوره‌های اخلاقی برای بهینه‌سازی و سالم‌سازی کردار و رفتار و نگرش‌های خود.

ماده‌های منفی را به این صورت برای خودسازی و پیشنهاد دادند:

۱. عدم دلبستگی به دنیا و مادیات تا انسان آزاده و آزاداندیش باشد؛

۲. عدم زیاده‌روی در استفاده از لذت‌های مادی و حیوانی در جهت کنترل نفس؛

۳. عدم انحراف‌های فکری - اعتقادی و حفظ خود از لغزشگاه‌های فکری و نظری؛

۴. کنترل قوای حسی و خیالی (طهارت جسمانی و خیالی). (همان: ۲۹۲-۲۷۹).

در فصل پنجم چنانکه اشاره شد بحث کشف و کرامات و فرق آنها با سحر و جادو و طلسمات و سپس انگیزه‌های اصلی عرفان، مکاشفه‌های رحمانی و شیطانی و بنده کشف و کرامات نبودن و معرفی عارفان حقیقی و شریعت‌محوری در تمام مراحل سیر و سلوک و عرفان عملی و اهمیت فطری بودن عرفان و گران‌بها بودن آن و سپس شکوفایی آن به‌وسیله انسان آگاه، بیدار، مجاهد و مخلص در پرتو آموزه‌های وحیانی و دستورالعمل‌های قرآنی - روایی را مطرح کرده‌اند (همان: ۳۴۹-۲۹۳).

استاد مصباح‌یزدی با درک و دریافت نیازهای اصیل و صادق عصر و به‌ویژه نسل جوان و خطرات و انحراف‌های که در راه عرفان‌گرایی وجود دارد چنین بحث‌های ارزنده و کارگشا و عملیاتی را مطرح کردند و در بحث‌هایی که تحت عنوان «اخلاق و عرفان» سال‌ها در مجله معرفت منتشر می‌شود یا شرح و تفسیر برخی حدیث‌ها مانند: حدیث معراج، حدیث‌های

پیامبر ﷺ به ابوذر، ابن مسعود و برخی از ادعیه و نیایش‌ها و بحث از به سوی خودسازی که به شکل کتابی کوچک منتشر شده است تمام کوشش خویش را مصون‌سازی جامعه اسلامی از جمله جوانان از خطرپذیری و آسیب‌پذیری‌های نظری - عملی آنها در اعتقادات - اخلاقیات و اعمال کرده‌اند و بیشترین بحث‌های وی سیاق و صیغه تبیین و اثباتی داشته و بنابر ضرورت وارد بحث‌های سلبی و انتقادی شده‌اند و در حقیقت به اثبات عرفان و معنویت اسلامی و نشان‌دادن ویژگی‌ها و کارکردها و کارآمدی‌های آن پرداختند و عرفان اسلامی که در حقیقت از متن قرآن، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه، مناجات شعبانیه، دعای کمیل و دیگر ادعیه حیات‌بخش و روایت‌های اسلامی دریافت و سرچشمه گرفته است را بهترین منبع پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی و انتظارهای عرفانی جوانان دانسته‌اند و الگوهای کامل را نیز معرفی کردند چه از معصومان علیهم‌السلام و چه از شاگردان مکتب عصمت. وی معیارها و شاخص‌هایی را نیز برای نقد و ارزیابی عرفان‌های دروغین یا شبه عرفان‌ها و عارف‌نمایان ارایه دادند.

مطالعه کتاب و تفکر در آن و بررسی موشکافانه‌اش بسیار مفید و سازنده است.